

## بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه حضرت امیر المومنین حضرت خلیفه‌المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز.

سیدنا حضرت خلیفه‌المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاريخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹ از بیت الفتوح لندن خطبه جمعه ارشاد فرمودند که با تراجم در زبانهای مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد.

آن حضرت فرمودند: امروز هم از اصحاب بدری ذکر خیر می‌کنم. اولین صحابی که ذکر خیر او می‌شود، اسمش حضرت عامر بن سلمی است. به حضرت عامر بن سلمی، عمرو بن سلمی نیز گفته می‌شود. وی از قبیلهٔ بلیّ بود. بلیّ شاخهٔ قبیلهٔ قدیمی عرب به نام قضاعه بود که در یمن ساکن است. با همین مناسبت به او عامر بن سلمهٔ بلوی نیز گفته می‌شود. حضرت عامر حلیف و همپیمان انصار بود. وی سعادت پیدا کرد در غزوهٔ بدر و احد شرکت کند.

صحابی دوم که ذکر خیرش می‌شود، حضرت عبدالله بن سراقه است. وی از قبیلهٔ قریش بنوعدی بود که قبیلهٔ حضرت عمر بن خطاب بود. سلسلهٔ نسبش به جد پنجمش به نام ریحا به حضرت عمر می‌رسد و به جد دهم، فردی به نام کعب به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌رسد. نام پدر حضرت عبدالله بن سراقه، سراقه بن معتمر بود و نام مادرش امت دختر عبدالله بود و نام خواهرش زینب و برادرش عمرو بن سراقه بود. نام همسرش حمیمه دختر حارث بود و از او پسری به نام عبدالله به دنیا آمد. به نظر غالب سیره‌نویسان وی و برادرش عمرو بن سراقه سعادت پیدا کرده بودند که در غزوهٔ بدر شرکت کنند. از نسل حضرت عبدالله، ذکر عمرو یا عثمان بن عبدالله زید و ایوب بن عبدالرحمن پیدا می‌شود. حضرت عبدالله بن سراقه به همراه برادر خود از مکه به مدینه مهاجرت کرد و هر دو در منزل حضرت رفاعه بن عبدالمنذر اقامت نمودند. حضرت عبدالله بن سراقه در دوران خلافت حضرت عثمان در ۳۵ هجری درگذشت. از حضرت عبدالله بن سراقه مروی است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: تسحروا ولو بالماء باید سحری بخورید خواه در آن فقط آب بخورید. یعنی آن حضرت سحری خوردن را الزامی قرار دادند.

آن حضرت فرمودند: صحابی دیگر که ذکر خیرش می‌شود، نامش حضرت مالک بن ابو خولی است. وی از قبیلهٔ بنوعجل بود که با قبیلهٔ قریش بنوعدی حلیف و همپیمان بود. ابو خولی کنیهٔ پدرش بود در حالی که مدینه مهاجرت کرد آنگاه به علاوه اعضای خاندان حضرت عمر، حضرت مالک و برادرش حضرت خولی نیز در میانشان بودند. حضرت مالک به همراه برادر خود خولی در غزوهٔ بدر شرکت کرده بود و طبق روایتی دیگر حضرت خولی در غزوهٔ بدر به همراه دو برادر خود یعنی حضرت هلال یعنی حضرت مالک و حضرت عبدالله شرکت کرده بود. حضرت مالک بن ابو خولی در دوران خلافت حضرت عثمان درگذشته بود.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می‌شود، نامش حضرت واقد بن عبدالله است. نام پدرش عبدالله بن عبد مناف بود. وی از قبیله بنوتمیم بود و همپیمان با خطاب بن نفیل بود و به روایتی دیگر وی حلیف قبیله قریش، بنوعدی بن کعب بود. افرادی که با تبلیغ و تلاش حضرت ابوبکر رضی الله عنه به اسلام گرویدند و ذکرشان در کتاب‌های تاریخ و سیره نقل شده است، حضرت واقد هم یکی از آنها بود. وی قبل از تشریف بردن حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به دار ارقم ایمان آورده بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت واقد و حضرت بشر بن براء پیمان برادری بستند. حضرت واقد به علاوه غزوه بدر، در غزوه احد و خندق و تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هنگامی که به رهبری حضرت عبدالله بن جحش سرپه‌ای را فرستادند، حضرت واقد نیز عضو آن بود. حضرت واقد در آغاز دوران خلافت حضرت عمر درگذشت.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می‌شود، اسمش حضرت نصر بن حارث است. وی از قبیله اوس انصار و خاندان بنوعبد بن رزاق بود، نامش نمیر بن حارث نیز تعریف می‌شود. کنیه‌اش ابو حارث بود، نام پدرش حارث بن عبد و نام مادرش سوده دختر سواد بود. حضرت نصر بن حارث سعادت پیدا کرد که در غزوه بدر شرکت کند، پدرش نیز شرف صحابی حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم بودن را داشت. حضرت نصر در جنگ قادسیه شهید شد.

صحابی بعد حضرت مالک بن عمرو است که ذکر خیرش می‌شود. وی از قبیله بنوسلیم و خاندان بنوهجر بود و همپیمان با بنو عبد شمس بود. نام پدرش عمرو بن سمید بود. حضرت مالک به همراه دو برادر خود حضرت سقف بن عمرو و حضرت مدلیج بن عمرو در جنگ بدر شرکت کرده بود. وی همچنین در غزوه احد و غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضور داشت و در ۱۲ هجری در اثنای جنگ یمامه به شهادت رسید.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می‌شود، نامش حضرت نعمان بن عصر است. وی از قبیله بلی انصار و همپیمان با قبیله بنومعاویه بود. به او لقیبت بن عصر نیز گفته می‌شود و نامش نعمان بن بلوی نیز نقل شده است. وی در بیعت عقبه و غزوه بدر و سایر غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرده بود. و در جنگ یمامه شهید شد. به نظر بعضی مؤرخان حضرت نعمان آن شخصی است که پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در اثنای جنگ با افراد مرتد طلیح وی را شهید کرده بود.

صحابی بعدی که ذکر خیرش می‌شود، حضرت عویم بن ساعده است. وی از شاخه قبیله اوس بنوعمر بن عوف بود. در بیعت عقبه اول و دوم، هر دو شرکت کرده بود. طبق گفتاری که در سیرت خاتم النبیین مسطور است، گروهی از انصار قبل از اولین بیعت عقبه به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ایمان

آورده بودند که تعدادشان شش بود و در بعضی روایات تعدادشان هشت ذکر شده است، حضرت عویم بن ساعده نیز یکی از آنها بود. از حضرت عبدالله بن زبیر روایت نقل شده است که وی شنید که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: از بندگان خدا عویم بن ساعده چقدر بنده خوبی است و او از اهل بهشت است. طبق روایتی زمانی که این آیه نازل شد: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: عویم بن ساعده که بسیار آدم خوبی است، نیز از زمره همین افراد است. حضرت عویم بن ساعده در غزوه بدر و احد و خندق و تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرده بود. عاصم بن سوید تعریف می کند که وی دختر حضرت عویم بن ساعده را شنید که داشت می گفت: وقتی حضرت عمر بن خطاب روی قبر حضرت عویم بن ساعده ایستاده بود، فرمود: در دنیا هیچ فردی نمی تواند بگوید که او بهتر از این صاحب قبر است. هر پرچمی که برای حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برافراشته میشد، وی زیر سایه اش بود. این روایت از سیره الحلبیه گرفته شده است. ابو عمر می گوید که حضرت عویم در حیات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم درگذشت و این نیز گفته می شود که وفاتش در دوران خلافت حضرت عمر در ۶۵ یا ۶۶ سالگی اتفاق افتاده بود.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می شود، نامش حضرت نعمان بن سنان است. وی از انصار قبیله خزرج و خاندان بنونعمان بود. ابن هشام نوشته است که حضرت نعمان غلام آزادساخته بنونعمان بود در حالی که ابن سعد وی را غلام آزادساخته عبید بن عدی نگاشته است. حضرت نعمان بن سنان توفیق پیدا کرد در غزوه بدر و احد شرکت کند.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می شود، حضرت عنتره مولی سلیم است. حضرت عنتره غلام آزادساخته حضرت سلیم بن عمرو بود. [نام کاملش] حضرت عنتره سلمی زکوانی بود و با قبیله بنوسواد بن غدم همپیمان بود که شاخه ای از انصار بود. وی در غزوه بدر و احد شرکت کرد و در روز غزوه احد به شهادت رسید. وی را نوفل بن معاویه دلی شهید کرده بود. طبق روایتی دیگر حضرت عنتره در اثنای جنگ صفین در دوران خلافت حضرت علی در ۳۷ هجری درگذشته بود.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می شود، نامش حضرت نعمان بن عبد عمرو است. وی از قبیله خزرج انصار و شاخه بنودینار بن نجار بود. نام پدرش عبد عمرو بن مسعود و نام مادرش سمیره دختر قیس بود. حضرت نعمان بن عبد عمرو در غزوه بدر و احد شرکت کرد. در جنگ بدر برادرش ضحاک بن عمرو بن به همراهش شرکت کرده بود. حضرت نعمان بن عبد عمرو مقام شهادت را کسب کرد. حضرت نعمان و حضرت ضحاک برادر سوم هم داشتند که نامش قطبه بود وی نیز شرف صحابی رسول بودن را داشت. حضرت قطبه در اثنای واقعه بئر معونه شهید شده بود.

از محمد بن سعد بن ابی وقاص روایت نقل شده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از نزدیک زن بنودینار رد شدند که شوهر و برادر و پدرش به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در غزوه احد شرکت کرده بودند و همه آنان شهید شده بودند. زمانی که به او تسلیت گفتند، وی پرسید: حال حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چطور است؟ مردم گفتند: ای ام فلان، ایشان خوب هستند و همانگونه‌اند که تو دوست داری. آن خانم گفت: ایشان را به من نشان دهید، می‌خواهم ایشان را به چشم خود ببینم. سپس آنان حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را با اشاره به او نشان دادند و گفتند که آن حضرت آنجا هستند، وی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را دید و گفت: در کنار حضرت پیامبر اکرم هر مصیبت عادی و معمولی است.

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در یک جایی این رویداد را ذکر نمود و فرمود: در بین صحابه کرام نمونه‌های شجاعت و بهادری بسیار فراوان یافت می‌شود. حضرت مصلح موعود می‌گوید که هر زمان من رویداد این خانم را می‌خوانم دلم سرشار از ادب و احترامش می‌شود و دلم می‌خواهد که دامن این خانم قدیس را لمس کنم و سپس دست‌های خود را روی چشمان خود بمالم که او برای محبوبم یادگار بی‌نظیری از خود به یاد گذاشته است .

آن حضرت در جایی دیگر با بیان همین عشق و محبت می‌فرماید که ببینید آن خانم چقدر به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم عشق می‌ورزید، مردم به او خبر مرگ پدر و برادر و شوهر یکی بعد از دیگری دادند ولی او هر بار در پاسخ گفت: به من بگویید که حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چطور است. خلاصه، این یک خانم بود که این همه عشق خود نسبت به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ابراز نمود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین اصحاب خود چنان عشقی را ایجاد کرده بودند که آنان در مقابل آن حضرت به هیچ چیزی هیچ اعتنایی هم نمی‌ورزیدند اما این عشق تنها بدین دلیل بود که آن حضرت عزیز خداوند متعالند. آنان ایشان را به دلیل محمد بودن دوست نداشتند بلکه به دلیل این که ایشان پیامبر خدایند عاشقشان بودند.

آن حضرت می‌افزاید که آنان در حقیقت عاشق خداوند متعال بودند و چون خداوند متعال حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را دوست داشت لذا اصحابشان به ایشان عشق می‌ورزیدند و در این زمینه تنها مردان عاشق نبودند بلکه اگر زنان را هم ببینید می‌بینید آنان هم در دل خود نسبت به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بی‌نهایت عشق و محبت داشتند. این عشق بود که خداوند متعال در دل‌هایشان درباره حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ایجاد کرده بود اما باوجود این آنان خداوند متعال را بر همه چیز اولویت می‌دادند و سپس خداوند متعال هم آنها را بر همه مردم دیگر رجحان داد. آن حضرت می‌فرماید: اما بعداً این وضعیت مسلمانان برقرار نماند و اکنون ارتباطشان با خداوند متعال فقط ذهنی است. یعنی تنها در

ذهن خود قبول دارند که به خدا ایمان دارند و قائل به توحیدند اما این اعتقاد در دلشان نیست. اگر جلویشان از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم یاد شود، احساسات عشقشان تحریک می‌شود همه افراد شیعه و سنی با ذکر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و اولادشان به شور و هیجان می‌آیند اما در هنگام ذکر خداوند متعال دلشان اصلاً هیچ نمی‌جنبد در حالی که این خداست که نعمتی همچون حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را داده بود. پس با نام و محبت خداوند متعال هم همچنین هیجانی باید در دل‌هایمان ایجاد شود زیرا پیشرف حقیقی با عشق خداوند متعال حاصل می‌شود با استوار شدن روی توحید حاصل می‌شود. پس این اصل اساسی است که ما باید مدنظر خویش قرار دهیم. خداوند متعال به ما توفیق دهد که در وجود خود عشق حقیقی خداوند متعال و پیامبرش و درک درست آن را ایجاد کنیم.

آن حضرت در آخر خطبه زکر خیر آقای مودود احمد خان، امیر جماعت کراچی که پسر نواب مسعود خان بود و آقای خلیفه عبدالعزیز ، معاون امیر جماعت کانادا کردند. اطلاعات خانواده ایشان را شرح دادند و ذکر خدمات جماعتی را بیان فرمودند. نیز بعد از جمعه، نماز میتشان را اقامه کردند.